

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۴

سبک‌شناسی بسامدی مضامین حکمی در گلستان سعدی، بر مبنای اخلاق ناصری
(ص ۲۹۳ - ۳۱۲)

حبیبه میرزایی اقدام^۲، علیرضا حاجیان نژاد^۳

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

آموزه‌ها و مضامین حکمی نقش تعلیم و تربیت را در رشد و پرورش اخلاقی ایفا میکنند و از دیرباز بحث از حکمت و مضامینی که پیرامون آن شکل گرفته، نزد دانشمندان و متفکران، جایگاه ویژه‌ای داشته است. «اخلاق ناصری» یکی از مهمترین رساله‌های حکمی است که مباحث آن پیرامون حکمت عملی در سه بخش تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن فراهم آمده و خواجه نصیر در سال ۶۳۳ه.ق نوشتن آن را به پایان رسانده است. شیخ اجل _سعدی_ که افصح المتکلمین لقب داشته و قدرت سخنوری او نمایان و بی‌نیاز از برهان است، با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم، در قالب حکایات هشت باب گلستان مضامین سه‌گانه حکمی این اثر را بازنمایانده است. در این پژوهش سعی بر آن است که در یک مقدمه و سه گفتار، میزان و چگونگی انعکاس این مضامین و مؤلفه‌ها را در گلستان سعدی که اثری تعلیمی است، بررسی نماید؛ یافتن این مضامین مشترک و درک آنها، به خواندن و فهم سخن حکمی سعدی در گلستان، کمک شایانی میکند. این بررسی نشان میدهد که سعدی در قسمت عمده گلستان از مصادیق فضایل اخلاقی بهره برده است.

کلمات کلیدی: گلستان سعدی، اخلاق ناصری، حکمت عملی، بسامد

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران

(mirzaei.aghdam@ut.ac.ir)

^۳ دانشیار دانشگاه تهران (Hajiannjd@ut.ac.ir)

۱- مقدمه

خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری میگوید: «حکمت دانش همه چیزها چنان که هست و قیام نمودن به کارها چنان که باید به قدر استطاعت تا نفس انسانی به کمالی که متوجه آن است برسد.» (اخلاق ناصری، مقدمه)

حکمت به طور کلی به دو دسته تقسیم شده است: «چون علم حکمت دانستن همه چیزهاست چنان که هست، پس به اعتبار انقسام موجودات منقسم میشود به حسب آن اقسام و موجودات دو قسمند؛ یکی آنکه وجود آن موقوف بر حرکات ارادی اشخاص بشری نباشد و دوم آنچه وجود آن منوط به تصرف و تدبیر این جماعت بود؛ پس علم به موجودات نیز دو قسم بود: یکی علم به قسم اول و آن را حکمت نظری میخوانند و دیگر علم به قسم دوم و آن را حکمت عملی خوانند. حکمت نظری خود به سه قسم شود: اول علم مابعدالطبیعه، دوم ریاضی و سیم علم طبیعی. حکمت عملی نیز سه قسم دارد: تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدّن.» (همان)

بنابراین حکمت عملی معرفتی است به مصالح و مفاسد، خیرات و شرور و فضایل و رذایل عموم بشر برای تخلّق بشر به آنها. از این رو ثمره چنین شناختی، اشاعه کارهای خیر در عالم و دفع شرور و نهی از آن آفات است.

قرآن کریم هم مظهر اسم حکیم خداوند است که هم محتوای او علم صائب است و هم کیفیت نزول و هدف انزال و سایر شئون عملی او نیز محکم است؛ لذا خداوند قرآن را به وصف «حکمت» ستوده و چنین فرمود: «یس والقرآن الحکیم» (یس: ۱) و «أنه فی امّ الکتاب لدینا لعلی حکیم» (زخرف: ۴)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه میفرماید: «حکمت را از هر جا که باشد، فراگیر. چه حکمت در سینه مردم دور و منافق هم هست؛ اما از آن جا که در غیر موضع خود واقع شده است، صاحب آن همیشه در نگرانی است تا به وسیله زبان از آن موضع ناباب بیرون آید و در سینه مؤمن که لایق آن است جای گیرد.» (نهج البلاغه، شهیدی: ۱۶۸)

بنابراین ادبیات اخلاقی و حکمی بخش مهمی از فرهنگ ایرانیان را تشکیل میداده است و شاهان برای باقی ماندن این مسائل حکمی، آنها را بر انگشتریها و تاجهایشان حک میکردند و مردم عادی نیز آن را بر لباسها، فرشها، کنار سفرهها، لبه ظروف، روی شمشیرها و آلات جنگی و یا بر سردر منازل مینگاشتند.

بزرگان و اندیشمندان عرب بر تاثیرپذیری از ادبیات و فرهنگ ایرانیان اذعان دارند؛ جاحظ نیز که یکی از متقدمین ادبای عرب به شمار میرود، گفته‌است: «و اگر آن چیزی که پیشینیان در کتابهایشان برای ما تدوین کرده‌اند و عمر جاودانی بخشیده‌اند وجود نداشت، از اقسام حکمت و انواع تواریخ و سرگذشتها به طوری که به واسطه آنها آنچه را که بر ما غایب بود به چشم دیدیم و هر دری که به روی ما بسته بود گشودیم، زیاد آنها را به کم خویش افزودیم و آنچه را که خبر به وسیله آنها درکش ممکن نبود، درک کردیم در این صورت بهره ما از حکمت بسیار اندک و راه ما به علم و معرفت بسیار ضعیف بود.» (الحيوان: ۱۰)

شاید در نظر اول چنین گمان شود که مقصود وی از پیشینیان، آثار یونانی بوده‌است، ولی پس از اندکی تأمل و تحقیق در تاریخ و فرهنگ اسلامی این گمان از میان خواهد رفت. «تا این زمان هنوز مسلمانان با آثار علمی و فرهنگی یونانی تا بدان حد که از آن تأثیر بپذیرند، آشنا نشده بودند و در هیچ تاریخی هم از آثار ادبی یونان استفاده نکرده‌اند.» (فرهنگ ایران، محمدی: ۱۲۱)

۲- ضرورت پژوهش

توفیق سعدی در بازآفرینی مضامین حکمی اخلاق ناصری که موضوع اصلی این پژوهش است، مخاطب را بیش از پیش با قدرت و درجه نویسندگی و شاعری سعدی، آشنا میکند. سعدی سعی دارد در قالب حکایات، با الفاظ صیقل خورده و نثر سهل و ممتنع که ویژگی سبکی اوست، شخصیتهایی می‌آفریند و مضامین حکمی را با زبانی ساده و حکایت گونه از زبان آنان روایت میکند.

۳- شیوه پژوهش

این پژوهش با رویکردی تحلیلی و وابستگی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده است. چنانکه پیشتر اشاره شد، مقایسه حکایتهای سعدی با شاخه‌های حکم عملی در اخلاق ناصری، گویای آن است که سعدی را باید یکی از برجسته‌ترین شاعران حکمی سده هفتم دانست که با بسامد بالای واژگانی حکمت عملی، از درونمایه‌های حکمی اخلاق ناصری تأثیر پذیرفته است. لازم به ذکر است شماره‌های به کار رفته در متن و نمودارها به ترتیب شماره باب و صفحه از گلستان سعدی به کوشش خلیل خطیب رهبر می‌باشد.

۴- پیشینه پژوهش

درباره حکمت عملی، پژوهش‌هایی صورت گرفته و گلستان سعدی نیز یکی از منابع غنی زبان فارسی است که مضامین اخلاقی و حکمی بسیاری را در حکایاتش گنجانده‌است.

الف) وحید سبزیان‌پور و آزاده فروغی‌نیا (۱۳۹۰) سرچشمه‌های حکمت در گلستان سعدی را در مقاله‌ای طی سه مضمون مشترک در ادبیات فارسی و عربی را بررسی کرده‌اند که این مضامین در فرهنگ ایرانیان قبل از اسلام وجود داشته و در نهج‌البلاغه و کلیله و دمنه ابن مقفع تبلور یافته تا به سعدی رسیده‌است.

ب) سید محمدرضا ابن‌الرسول و فهیمه مارانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای حکمت‌های تعلیمی مشترک در شعر رودکی و سعدی را مقایسه کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که مضامین حکیمانه بسیاری در اشعار رودکی وجود دارد؛ ولی سعدی همین مضامین را با زبانی شیواتر بیان نموده‌است.

ج) سبزیان‌پور (۱۳۹۰) تأثیر حکمت ایرانی در آثار سعدی را در مقاله‌ای تبیین نموده‌است.

د) کتاب «فرهنگ اصطلاحات حکمی گلستان سعدی (۱۳۹۵)» تالیف ندا مراد و حبیبه میرزایی‌اقدام به صورت واژه‌نامه از انتشارات پرهیزکار به طبع رسیده‌است.

۵- معرفی دو اثر شاخص حکمی قرن هفتم

۵-۱- اخلاق ناصری

اخلاق ناصری «کتاب است به زبان فارسی، در اصول اخلاق یا حکمت عملی از خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ه.ق) و از متون مهم قرن هفتم به شمار می‌رود. این اثر در واقع ترجمه و تحریر کتاب «طهاره الاعراق» ابوعلی مسکویه است و خواجه با افزودن ابوابی بر آن در «سیاست مدن» و «تدبیر منزل» کتاب را نوشته است.» (زیده الآثار، طبری: ۱۱)

۵-۲- گلستان سعدی

کتاب بسیار معروف و مشهور و متداول سعدی شیرازی (۶۰۶-۶۹۰ ه.ق) نوشته شده است. شیخ اجل در این کتاب، نثر فنی و مسجع را به مرحله کمال رسانیده و سبک کتاب همان سبک مقامه نویسی فارسی است و در اثنای نثر، اشعار فارسی خود را و گاه اشعار عربی و آیات و احادیث و اخبار و امثال را جای به جای آورده است. (همان: ۳۲۹)

۶- مبانی نظری

شاعران هر دوره ادبی غالباً از گفته‌های پیشینیان، متأثر بودند و نشانه‌های این تأثر بطور آشکار و گاهی نیمه آشکار وزمانی به شکل ناآشکار و پنهان در آثار دیگران دیده می‌شود. پیروی شاعری از شاعری دیگر و نویسندگی از نویسندگی دیگر از دوحال بیرون نبوده است: یا مضمونی را می‌گیرد و یا ترکیبی را که دیگری ساخته، به کار می‌برد که به سه شیوه

«آشکار، نیمه آشکار و ناآشکار صورت میپذیرد. تأثیر و تأثر آشکار (مستقیم) آن را میگویند که پس از مطالعه اثر دو نویسنده یا شاعر که ممکن است در یک زمان و یا در زمانهای مختلف این مطالعه و آگاهی اتفاق افتد، خواننده بدون تلاش و کوشش فکری به همگونی و شباهت دو عبارت یا دو ترکیب لغوی پی ببرد.» (تأثیر سخن نظامی گنجوی در اشعار سعدی، برات زنجانی: ۱۵۵)

در تأثیر و تأثر به طور نیمه آشکار (غیرمستقیم) «ذهن برای دریافت مطلب مشترک به اندکی فعالیت و تلاش نیازمند است و مانند نوع اول کامل و روشن نمیشود.» (همان: ۱۵۷) در تأثیر و تأثر به طرز ناآشکار (پنهان) نیز «دقیقترین و پیچیده ترین نوع از تأثیر و تأثر است که دقت و موشکافی بسیار میخواهد تا چگونگی و هماهنگی و همانندی دو تصویر آشکار گردد. ذهن به فعالیت بیشتر و دقت موشکافانه نکته یابی هوشیارانه نیازمند است و این امکان برای همه وجود ندارد.» (همان: ۱۶۱)

مساله اصلی این پژوهش آن است که سعدی در میان ادب دوستان و پژوهشگران ادبی به عنوان خداوندگار ملک سخن و استاد غزلهای عاشقانه (خواتیم، بدایع، غزلیات قدیم و طیبات) شهرت یافته است؛ در حالی که بخش قابل توجهی از آثار او را به ویژه در گلستان و بوستان، مضامین حکمی تشکیل میدهد که با رویکردی متفاوت، بُعد دیگری از خلاقیت ادبی او را نمایان میکند. در وهله نخست گلستان کتابی داستانی است اما با تأمل در حکایات آن میتوان به یک زنجیره فکری از مصادیق و مضامین حکمی پی برد. ذهن تعلیمی و اخلاقگرای سعدی سبب شده تا حکایتهای او در گلستان، حجم قابل توجهی از مفاهیم اخلاقی، بایدها و نبایدهای شرعی، نکات تربیتی و آموزه های حکمی را در خود جای دهد. ذکر این نکته بیفایده نیست که تأثیرپذیری سعدی از اخلاق ناصری تأثیری موفق و هنرمندانه بوده است. بی شک سعدی اثر حکمی خواجه نصیر را خوانده و توانسته است مضامین سه گانه حکمی او را (فضایل و رذایل اخلاقی، تدبیر منزل و سیاست مدن) در حکایتهای گلستان به شکل غیرمستقیم و پنهان، به خوبی متجلی سازد.

۷- تهذیب اخلاق

۷-۱- شناخت دیدگاههای اخلاقی

دل همچون آینه‌ای روشن و اخلاق زشت مانند دود و ظلمتی است که آن را تاریک میکند تا راه درست و الهی را نبیند و محجوب شود و اخلاق نیکو نوری است که به دل میرسد و

آن را از ظلمت و معصیت پاک میکند. برای همین است که رسول خدا میفرماید: «اتَّبِعْ تُمَحَا السَّيْئَةَ الْحَسَنَةَ» از پی زشتی نیکویی کن تا آن را محو کند.

شناخت راه کمال و سعادت آدمی و طرح مباحث اخلاقی همواره اندیشمندان تاریخ را به فکر و تأمل واداشته‌است و حاصل آن ارائهٔ صدها نظریه و دیدگاه به منظور رسیدن به تکامل در ابعاد مختلف زندگی بشری بوده‌است. بشر در طول تاریخ همواره اخلاق را فطرتاً به دیدهٔ تکریم و احترام نگریسته و آن را معیاری برای کمال و تعالی خویش تلقی کرده‌است. بیشترین اهتمام ادیان نیز توجه به همین موضوع بوده‌است؛ اخلاق که یکی از اهداف مهم ادیان است آن چنان مورد توجه قرار گرفته‌است که بعضی از دین‌پژوهان، دین را همان اخلاق دانسته‌اند. در مکتب حیات بخش اسلام نیز مسألهٔ اخلاق و تهذیب نفس مهمترین هدف بعثت انبیا شمرده شده‌است. چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا» (بحارالانوار، مجلسی، ج ۶۶، ۳۷۵)

۷-۲- فضایل اخلاقی

"خواجه نصیرالدین" در فصل سیم از قسم دوم از مقالات اول در تهذیب اخلاق چنین بیان میکند: «فضایل نیز چهار بود یکی از تهذیب قوَّت نظری و آن حکمت بود و دوم از تهذیب قوَّت عملی و آن عدالت بود و سیم از تهذیب قوَّت غضبی بود و آن شجاعت بود و چهارم از تهذیب قوَّت شهوی و آن عفت بود.» (اخلاق ناصری: مقالات اول، فصل سیم)

اصول خلق نیک آمد عدالت پس از وی حکمت و عفت، شجاعت
حکیمی راست کردار است و گفتار کسی کو متصف گردد بدین چار
(گلشن راز: ۱۲۱)

مجموع این چهار اصل، اصول اخلاق فاضله را تشکیل میدهد که با دقت و تحلیل بازگشت به آن میکند و نسبت هریک از این فروع به اصل خود نسبت نوع است به جنس. این فروع بسیارند؛ استاد علامه طباطبایی از مجموع این اصول و فروع اخلاق فاضله، طرح زیبایی به شکل درختی چهارشاخه تنظیم کرده است. (تفسیر المیزان، طباطبایی، ج ۱: ۵۲۵)

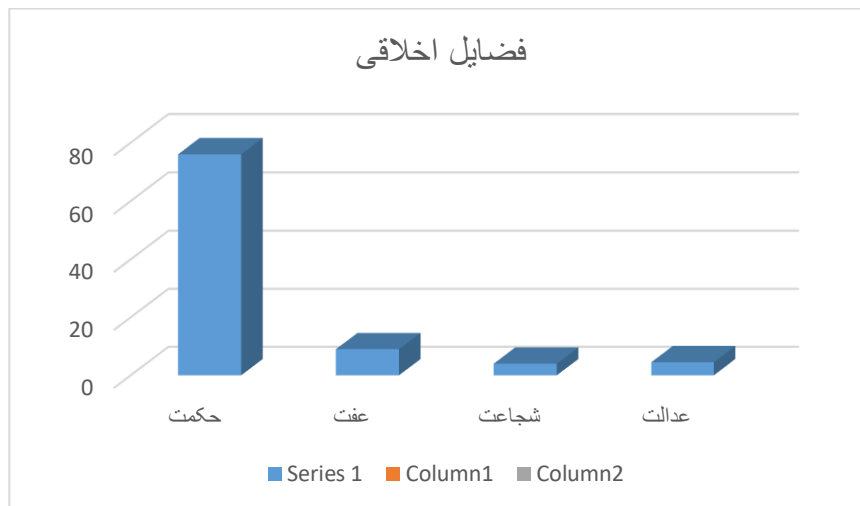
امام فخر رازی در باب فضایل اخلاقی مینویسد: «فضایل اخلاقی سه نوع است؛ شجاعت، عفت و حکمت و مجموع این سه فضیلت عدالت است.» (مبانی ارزشها از دیدگاه فرزائگان، ۲۴۸)

سعدی در گلستان در قالب حکایت‌های گوناگون فضایی عمده در باب حکمت، شجاعت، عفت و عدالت و زیرشاخه‌های آن در باب هنر، جوانمردی، کرم، درستکاری، حقشناسی، ظن

نیکو، بخشش، ادب، کم خوردن، قناعت، صبر، بی‌نیازی، گشاده‌رویی، رازداری، خاموشی، تربیت و آورده است.

جدول ۱- بسامد فضایل اخلاقی در گلستان سعدی

اخلاق ناصری	گلستان	بسامد
حکمت ص ۳۹	هر کرا صبر نیست <u>حکمت نیست</u> ۲۴۱/۳	دیباجه/۳۰، دیباجه/۳۶، دیباجه/۴۰، ۷۳/۱، ۱۸۵/۲، ۱۳۵/۱، ۲۶۱/۲، ۱۷۶/۲، ۱۸۵/۲، ۶۰۶/۸، ۲۴۶/۳، ۸۹/۱، ۱۲۶/۱، ۴۳۴/۷، ۶۰۶/۸، ۵۵۴/۸، ۶۵/۱، ۵۰/۱، ۹۵/۱، ۵۵۲/۸، ۷۳/۱، ۵۴۴/۸، ۳۲۴/۴، ۲۳۶/۲، ۳۲۲/۴، ۱۳۴/۱، ۲۲۶/۲، ۳۹۹/۵، ۱۱۶/۱، ۳۵۲/۵، ۷۵/۱، ۲۴۶/۳، ۷۵/۱، ۲۴۹/۳، ۱۰/۱، ۸۹/۱، ۲۴۶/۲، ۲۴۹/۳، ۲۹۲/۳، ۲۹۷/۳، ۳۱۰/۳، ۴۸۸/۷، ۴۹۰/۷، ۴۸۹/۷، ۴۵۲/۷، ۴۴۶/۷، ۲۳۰/۲، ۱۷۶/۲، ۱۱۲/۱، ۱۰۹/۱، ۱۰۶/۱، ۹۲/۱، ۴۶۰/۷، ۲۴۶/۳
عفت	از دولت عفاف محرومیت یافت. ۴۸۶/۷	۴۰۶/۵، ۳۳۸/۵، ۴۴۰/۷، ۴۹۷/۷، ۲۲۳/۲، ۹۲/۱
شجاعت	از سخاوت و شجاعت کدام بهتر؟ ۲۳۶/۲	۲۹۷/۳، ۳۰۶/۳
عدالت	به حکومت <u>عدل</u> راضی شدیم. ۵۰۲/۷	دیباجه/۱۷، ۳۹۳/۵، ۳۲۹/۴، ۵۰۲/۷، ۱۰۵/۱، ۱۳۴/۱



۷-۳- رذایل اخلاقی

خواجه نصیرالدین گوید: «به حسب نظر مستقصی و بحث مستوفی هر فضیلتی را حدّی است که چون از آن حد تجاوز نماید چه در طرف غلو و چه در طرف تقصیر _ افراط و تفریط _ رذیلتی ادا کند. خواجه اصداد فضایل را که اجناس رذایل باشد نیز در بادی النظر به چهار قسم تقسیم میکند و آن جهل باشد که ضدّ حکمت است و جبن که ضدّ شجاعت است، شره (ولع) که ضدّ عفت است و جور ضدّ عدالت است. هرگاه در هر فضیلتی تحدیدی را که معتبر است اهمال نماید و یا هر قید که معتبر است، رعایت کنند آن فضیلت رذیلت گردد؛ پس هر فضیلتی به مثابت وسطاست و رذایل به منزلت اطراف؛ مانند: مرکز و دایره. پس از این روی بر ازای هر فضیلتی رذیلت‌های نامتناهی میباشد. چه وسط محدود بود و اطراف نامحدود و ملازمت فضیلت مانند حرکت بود بر خطی مستقیم و ارتکاب رذیلت؛ مانند انحراف از آن خط و ظاهر است که میان دو خط مستقیم جز یکی نتواند بود و خط‌های نامستقیم، نامتناهی تواند بود؛ پس به ازای هر فضیلتی دوجنس رذیلت باشد که آن فضیلت وسط بود و آن دو رذیلت دوطرف و چون بیان کرده اند اجناس فضایل چهار است؛ پس اجناس رذایل هشت باشد.» (اخلاق ناصری، مقال اول، فصل پنجم) سعدی در گلستان در قالب حکایات گوناگون به رذایلی چون حسادت، ظلم، کفر، شرک، ناامیدی، بدبینی، حرص و آز، جهل، نادانی، خیانت، غیبت، بدگویی، طمع، سخن چینی، کینه ورزی، نفاق، تعصب بی مورد،

هتّاکي، دنیاپرستی، بدخلقی، کبر و غرور، پیمان شکنی، لجاجت، تقلید کورکورانه، آرزوهای بلند، دورویی، ریاکاری، بخل، رشوه خواری و رشوه دهی، اصرار بر گناه و... اشاره کرده است.

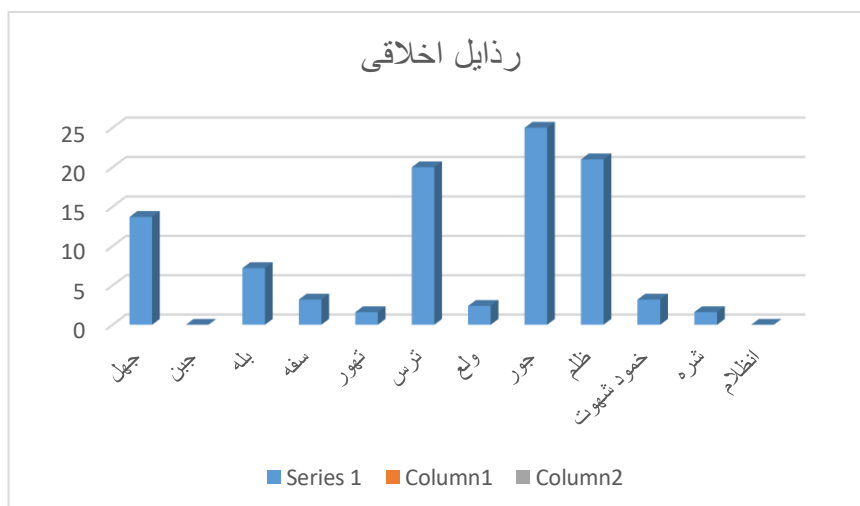
جدول ۲- بسامد رذایل اخلاقی در گلستان سعدی

اخلاق ناصری	گلستان	بسامد	اخلاق ناصری	گلستان	بسامد
جهل	وقتی به <u>جهل</u> جوانی... ۴۲۵/۶	۱۳۶/۱، ۵۶۲/۸، ۶۴/۱، ۵۶۰/۸، ۵۳۲/۸، ۵۵۰/۸، ۴۱۶/۶، ۳۲۲/۴، ۵۵۴/۸، ۵۸۷/۸، ۱۴۴/۲، ۳۲۰/۴، ۵۰۰/۷، ۳۲۷/۴، ۵۵۸/۸، دیباچه/۲۵	سفه	عالم را <u>نشاید</u> <u>سفاهت</u> ... ۵۶۲/۸	۴۸۸/۷، ۹۳/۱، ۳۱۹/۴
			بله	جالینوس، <u>ابلهی</u> را دید. ۳۱۹/۴	۵۴۳/۸، ۵۸۵/۸، ۱۳۷/۱، ۳۹۸/۵، ۳۶۵/۵، ۲۸۱/۳، ۵۳/۱، ۸۴/۱
جُبَن	-	-	تهوّر	سواران را گفتن او تهوّر زیادت گشت. ۵۵/۱	۳۰۰/۳
			ترس	امید و <u>بیم</u> و راحت و رنج. ۱۲۵/۱	۶۰۳/۸، ۶۰۴/۸، ۸۲/۱

۹۰/۱					
۷۸/۱					
۱۰۸/۱					
۴۰۵/۵					
۳۸۵/۵					
۴۴۵/۷					
۱۱۴/۱					
۳۰۱/۳					
۳۰۱/۳					
۳۰۷/۳					
۳۴۰/۵					
۴۴۸/۷					
۵۳۳/۸					
۹۲/۱					
۷۵/۱					
۱۲۵/۱					
۳۱۷/۴					
۵۷/۱					
۳۰۲/۳					
۳۰۳/۳					
۹۲/۱					
۴۹۳/۷	بدوزد <u>شره</u> دیده هوشمند. ۲۵۹/۳	شره	۱۵۵/۲، ۳۹۴/۵	دگر باره گرد <u>ولع</u> نگر دی. ۳۰۸/۳	ولع
۵۶۱/۸	جوان سخت	خمود			
۵۳۹/۸	می‌باید که از	شهوت			
۴۷۴/۷	<u>شهوت</u>				
	بپرهیزد. ۶۰۶/۸				

جور	به جور	۵۲۱/۸، ۷۱/۱	ظلم	دمار از دماغ	۱۴۴/۲
	زبردستان	۲۵۸/۳، ۵۹۰/۸		<u>ظالم</u> برآرند.	۱۱۸/۱
	گرفتار آید.	۴۱۸/۶، ۳۰۵/۳		۵۲۱/۸	۱۰۵/۱
	۶۰۰/۸	۴۱۸/۶، ۳۵۲/۵			۱۳۱/۱
		۵۰۴/۷، ۴۶۵/۷			۸۱/۱
		۴۳۵/۷، ۱۸۷/۲			۶۹/۱
		۶۹/۱، ۳۵۰/۵			۷۱/۱
		۴۱۸/۶، ۳۵۲/۵			۷۲/۱
		۱۰۰/۱، ۳۵۲/۵			۱۱۹/۱
		۳۶۸/۵، ۱۲۶/۱			۱۱۵/۱
		۲۵۱/۳، ۳۵۴/۵			۱۰۷/۱
		۳۷۵/۵، ۴۲۵/۶			۱۲۶/۱
		۴۱۸/۶، ۴۳۶/۷			۱۰۸/۱
		۴۴۰/۷، ۴۶۴/۷			۱۰۷/۱
		۵۵۵/۸، ۵۰۲/۷			۳۷۵/۵
					۸۱/۱
					۳۲۹/۴
					۱۱۸/۱
					۲۹۹/۳
					۵۰۰/۷
					۶۰۴/۸
					۱۰۵/۱
					۷۲/۱
					۵۲۱/۸
					۴۷۳/۷
					۱۷۷/۲
			انظلام	-	-

جوامع بشری در سایه فضایل اخلاقی و تعلیم و تربیت می‌توانند از حسن روابط برخوردار گردند و به موفقیت‌هایی که شایسته مقام آدمی است دست یابند. فضایل اخلاقی می‌تواند به رشد و ارتقاء جسمانی و روحانی انسان مدد نماید و نیازهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و... انسان را تأمین کند و باد دانست که تمام امور زندگی بشر چه در حال فردی و چه اجتماعی با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد. مهمترین عاملی که بر کلام سعدی در گلستان حاکم بوده، پایبندی به فضایل اخلاقی است؛ میانه روی و اعتدال که یک اصل ضروری برای زندگی سالم فردی و اجتماعی است، از موضوعات مهم و مورد توجه سعدی است. از منظر وی اعتدال خود فضیلت محسوب می‌شود و شالوده علم اخلاق و راه کسب سعادت جز رعایت این اصل نیست. درشتی نگیرد خردمند پیش نه سستی که نازل کند قدر خویش (گلستان: باب هشتم)



۸- گفتار دوم: تدبیر منزل

۸-۱- مفهوم شناسی

لغت نامه دهخدا ذیل واژه «تدبیر منزل» چنین آورده است: «علم اعتدال احوال مشترک میان انسان و زن و فرزند و خدمتکاران و علاج کردن امور خارج از اعتدال است و موضوع آن احوال اشخاص مذکور است از حیث انتظام به مصالح جمعی که در منزل با یکدیگر شریک هستند و فایده آن شناخت چگونگی مشارکت اهل منزل است.» (لغتنامه دهخدا، ج ۴: ۵۷۳۲)

سنت تشکیل خانواده، سنت حسنه پیامبر گرامی اسلام (ص) است و خانواده مقدس‌ترین نظام اجتماعی نزد خداوند است. چنین نظامی شایسته رعایت موازین در چارچوب عرف و شرع می‌باشد تا پایه‌های آن مستحکم و بنیانش استوار گردد. اداره‌کننده این کانون و رکن اصلی آن مرد خانواده (پدر) است و هر مردی نیز برای به دست آوردن آسایش و آرامش ناگزیر به انتخاب همسری صالح و شایسته است. «زن صالح، شریک مرد است در مال و شریک او در اداره خانه و جانشین اوست هنگام غیبت.» (اخلاق ناصری: ۲۱۵) خانه آنجایی است که آدمی در آن سکنا میکند که مترادف است با منزل و مقرگاه به معنی خانواده. محیط و خاندان به کار میرود. خانواده به معنی خاندان، دودمان و تبار مستعمل است. خانواده یگانه سازمانی است که از دیرباز در زندگی بره‌های امروزی حتی ماقبل تاریخ وجود داشته است؛ زیرا روابط انسانی در این سازمان بیشتر و بهتر از سایر روابط، برآورنده مهم‌ترین خواسته‌های حیاتی اوست. بدین جهت این نهاد اجتماعی همچنان توانسته است کانون پرمهر خانه و خانواده موجودیت خود را حفظ کند و دچار پراکندگی نشود.

خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری می‌گوید: «مراد از این منزل در این موضع نه خانه‌ای است که از خشت و گل و سنگ و چوب کنند، بلکه از تالیفی مخصوص است که میان شوهر و زن و والد و مولود و خادم و مخدوم و ممتول و مال افتد. مسکن ایشان چه از چوب و سنگ بود و چه از خیمه و خرگاه و چه از سایه درخت و غار و کوه و اصل کلی در تدبیر منزل آن بود که همچنان که طبیب در حال بدن نظر کند، از جهت اعتدالی که به حسب ترکیب اعضا مجموع ترکیب را حاصل آید و آن اعتدال مقتضی صحت بدن و مصدر افعال بود بر وجه کمال تا اگر آن اعتدال موجود بود آن را محافظت کند و اگر مفقود بود استعانت کند و چون در عضوی از اعضا خللی حادث شود، در علاج آن عضو مصلحت عموم اعضا نگه دارد؛ هم بر این نسق، مدبر منزل را رعایت صلاح عموم اهل منزل واجب بود.» (اخلاق ناصری: مقالت دوم، تدبیر منزل)

جدول ۳- بسامد تدبیر منزل در گلستان سعدی

اخلاق ناصری	گلستان	بسامد
والدین	پدر و مادرش را بخواند. ۱۱۰/۱	۴۲۵/۶، ۲۱۶/۲، ۴۳۴/۷، ۴۲۰/۶، ۴۵۱/۷، ۳۰۵/۳، ۳۹/۸، ۵۳۰/۸، ۱۱۰/۱، ۱۰۳/۱، ۳۱۷/۴، ۱۳۰/۱، ۲۱۸/۲، ۳۱۶/۴، ۴۲۰/۶، ۲۴۹/۳، ۱۷۹/۲، ۷۴/۱، ۲۱۶/۲، ۴۳۴/۷، ۵۳۰/۸، ۲۸۳/۳، ۲۸۴/۳، ۷۲/۱

۵۰۹/۷، ۲۸۸/۲، ۳۰۶/۳، ۲۹۳/۳، ۲۹۲/۳، ۲۸۹/۳، ۴۷۱/۷، ۳۰۵/۳، ۴۷۲/۷، ۱۱۲/۱، ۱۱۰/۱، ۴۵۵/۷، ۴۵۳/۷، ۴۳۶/۷، ۴۴۲/۷، ۶۵/۱، ۲۲۹/۲، ۲۰۳/۲، ۱۵۴/۲، ۱۵۵/۲، ۴۳۳/۷، ۴۷۲/۷، ۴۲۰/۶، ۴۵۱/۷، ۱۳۱/۱، ۵۶۶/۸، ۱۳۰/۱، ۴۲۵/۶، دیباچه/۳۶		
۴۰/۱، ۴۴۵/۷، ۲۰۳/۲، ۴۱۷/۶، ۵۶۰/۸، ۹۱/۱، ۵۷۷/۸، ۴۲۳/۶، ۴۲۹/۶، ۴۲۷/۶، ۲۲۵/۲، ۳۲۵/۴، ۳۶۹/۵، ۲۳۰/۲، ۲۱۵/۲، ۲۱۸/۲	مشورت با زنان تباه است. ۵۵۲/۸	زن
۲۰۵/۲، ۴۵۴/۷، ۲۲۱/۲، ۲۰۵/۲، ۹۱/۱، ۵۳۷/۸، ۲۱۸/۲، ۴۳۴/۷، ۴۴۲/۷، ۴۲۰/۶، ۵۲۸/۸، ۵۹۱/۸، ۴۵۵/۷، ۴۱۹/۶، ۴۲۳/۶، ۱۱۰/۱، ۴۲۵/۶، ۲۹۱/۳، ۴۴۸/۷، ۴۴۳/۷، ۴۳۶/۷، دیباچه/۳۶، ۱۶۱/۲، ۴۵۴/۷، ۵۰۱/۷، ۳۱۶/۴، ۱۲۱/۱، ۴۱۹/۶، ۴۴۴/۷، ۴۹۶/۷، ۴۲۰/۶، ۱۲۰/۱، ۴۲۰/۶، ۱۱۰/۱، ۱۳۱/۱، ۳۹۴/۶، ۴۰۷/۷، ۳۱۷/۴، ۳۷۶/۷، ۳۴۶/۷، ۳۴۲/۷، ۲۸۳/۳، ۱۳۰/۱، ۲۸۴/۳، ۲۹۲/۳، ۳۰۶/۳، ۲۸۵/۳، ۲۸۹/۳، ۱۱۰/۱، ۴۶۷/۷، ۴۴۸/۶، ۴۵۱/۷، ۳۰۵/۳، ۳۰۸/۳، ۵۰۹/۷، ۴۷۲/۷، ۴۶۲/۷، ۴۲۶/۶، ۴۳۳/۷، ۴۵۴/۷، ۴۵۵/۷، ۴۵۳/۷، ۴۲۰/۶، ۴۴۸/۶، ۴۳۵/۶، ۴۳۴/۶، ۴۴۰/۶، ۴۳۷/۶، ۱۵۳/۲، ۳۷۵/۵، ۳۹۰/۵، دیباچه/۶، ۲۰۲/۲، ۲۲۸/۲	چه خوش گفت زالی به فرزند خویش. ۴۲۵/۶	فرزند

۸-۲- تدبیر منزل در گلستان

۸-۲-۱- جایگاه زنان در گلستان

کانون پرمهر خانه و خانواده آنگاه می‌تواند گرم و پرشور و دوام باشد، که زن و مرد هردو به صفاتی که بزرگانی از جمله سعدی برشمرده‌اند، متصف باشند و بار زندگی را از هر جهت به دوش کشند؛ فرزندان نیکو بپرورند و به جامعه تحویل دهند. فرزندان که وارثان اخلاق، تربیت و فرهنگ خانواده و اجتماع باشند. خداوند در قرآن کریم فرموده است: یا نساء النَّبی

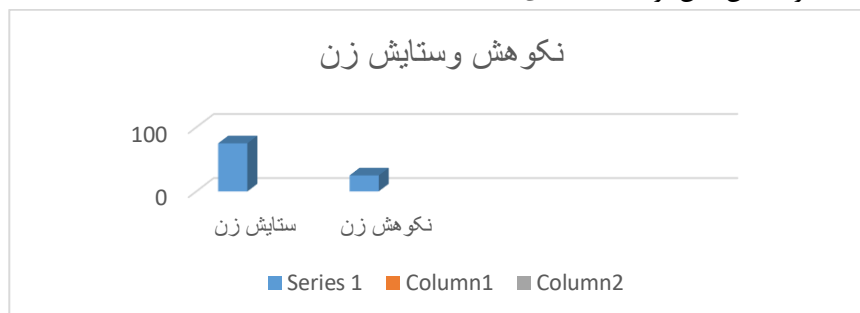
لَسْتُنَّ كَا حَدَّ مِنَ النِّسَاءِ أَنْ أَتَّقِيَنَّ... (احزاب، ۳۲) ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید، بلکه مقامتان رفیع‌تر است.

امام علی(ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «المرأة شرٌّ كلّها و شرٌّ مافیها أنّه لا بدَّ منها» (گلچینی از سخنان حکمت‌آمیز و اندرزهای رسول خدا و معصومین، محلاتی: ۲۳۸) تمام وجود زن شر است و بدترین چیز این است که چاره‌ای از او نیست. (بدون او نمیتوان زندگی کرد)

نگرش و تفکر اعراب در جهت تضعیف جایگاه زن در خانواده ایرانی به عاریت گرفته شده‌است و نویسندگان ایرانی تا مدت‌ها تحت تأثیر این نگرش جامعه بوده‌اند و آن را در آثارشان به منصفه ظهور کشانده‌اند. در قرن هفتم نیز به طور کلی سیر انحطاط و نزولی جایگاه زن موجب تخریب شخصیت وی در خانواده و اجتماع مشاهده می‌شود. ولی زن در گلستان جایگاه واقعی خویش را دارد؛ میتواند دانا، صاحب نظرو مومن بوده و یا بدخو و زشت کردار باشد. سعدی زن را مایه آرامش، مظهر عشق و شور و نشاط خانواده معرفی میکند: «...دختری خواسته بودم و حجره به گل آراسته و به خلوت با او نشسته و دیده و دل در او بسته شبهای دراز نخفتمی و بذله‌ها و لطیفه‌ها گفتمی...» (گلستان: باب ششم) ولی سعدی از زن بد نیز سخن گفته‌است:

زن بد در سرای مرد نکو هم درین عالمست دوزخ او
زینهار از قرین بد زینهار و قینا ربنا عذاب النار
(همان: باب دوم)

در کیمیای سعادت آمده‌است: «پارسایی؛ که آن اصل بود و زن ناپارسا که در مال خیانت کند که خدای بدان مشوش شود و اگر در آن خیانت کند، اگر مرد خاموش شود از نقصان حمیت و نقصان دین بود...» (کیمیای سعادت: ۲۴۵)



۸-۲-۲- تربیت فرزند

تربیت اساسی‌ترین نیاز انسان برای پیشرفت و وسیله‌ای جهت هدایت و رشد اوست. در منابع اسلامی و علم روانشناسی مراحل رشد و تربیت در ابعاد مختلف مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته‌است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت تعلیم و هدایت بشر را بر عهده داشته‌اند، دانشمندان، فلاسفه و شعرا نیز به مدد قرآن تالیفات و آثار ارزشمندی از خود برجای نهاده‌اند که همه رنگ و بوی اسلامی دارد.

«النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» مردم مانند معادن طلا و نقره‌ای هستند. (اصول کافی، کلینی: ۱۷۷) که اگر این استعدادها شکوفا نشوند زندگی انسان بیهوده خواهد بود. هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست چوب تر را چنان که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست (گلستان: باب هفتم)

۹- سیاست مدُن

۹-۱- سیاست مدن از منظر اخلاق ناصری

به جرأت می‌توان ادعا نمود که در طول تاریخ تمدن بشری انسان از تأثیرات خوشایند و ناخوشایند سیاست و گزاره‌های وابسته به آن دور نمانده است. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

«هرگونه تعریف از سیاست ارزش نسبی خواهد داشت و همه تعاریف و مفاهیمی که از سیاست هست دربردارنده پاره‌ای از حقیقت است.» (مبانی سیاست، عبدالحمید: ۹)

خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری درباره سیاست مدُن می‌گوید: «چون وجود نوع بی‌معاونت صورت نیندد و معاونت بی‌اجتماع محال است، پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع؛ این نوع اجتماع را تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه موضع اجتماع اشخاصی که به انواع حرفتها و صناعتها تعاونی که سبب تعیش بود میکند و چون دواعی افعال مردم مختلف است و توجه به حرکات ایشان به غایات متنوع پس به ضرورت نوعی از تدبیر باید که هریکی را به منزلتی که مستحق آن باشد، قانع گرداند و به حق خویش رساند و دست هریکی از تعدی و تصرف در حقوق دیگران کوتاه کند و به شغلی که متکفل آن بود از امور تعاون مشغول کند و آن تدبیر را سیاست خوانند و در سیاست به ناموس و حاکم و دینار احتیاج باشد.» (اخلاق ناصری: مقالت سیم، سیاست مدن)

جدول ۴- بسامد سیاست مدن در گلستان

اخلاق ناصری	گلستان	بسامد
اصحاب دولت	ارکان دولت را گفت. ۱۳۰/۱	۱۲۴/۱، ۴۳۴/۷، ۱۲۱/۱، ۴۳۵/۷، ۶۷/۱، ۱۳۶/۱، ۵۵۳/۸، ۵۲۱/۸، دیباجه/۳۶، ۵۳/۱، ۶۷/۱، ۱۲۳/۱، ۵۶۰/۸، ۵۷۳/۸، ۷۵/۱، ۵۷۳/۸، ۷۱/۱، ۴۱۶/۶، ۳۵۸/۵، ۲۰۹/۲، ۱۹۸/۲، ۳۵۹/۵، ۳۴۷/۵، ۲۸۴/۳، ۲۸۳/۳، دیباجه/۲۷، ۱۹۵/۲، ۶۱۰/۸
رعیت	سپاه و رعیت بهم برآمدند. ۱۹۶/۲	۵۸/۱، ۴۳۶/۷، ۱۷۲/۲، ۱۲۳/۱، ۱۱۰/۱، ۱۰۶/۱، ۱۰۵/۱، ۱۰۳/۱، ۷۸/۱، ۶۰۰/۸، ۷۵/۱، ۱۲۹/۱، ۷۱/۱، ۷۵/۱، ۷۲/۱، ۶۹/۱، دیباجه/۴۱، ۶۹/۱، ۸۰/۱، ۷۲/۱، ۱۴۰/۱، ۴۷۷/۷

۹-۲- سیاست مدن در گلستان

از دیدگاه سعدی ارکان حکومت پیرامون سه عنصر شکل می‌گیرد و هرمی را تشکیل می‌دهد که شامل مدینه، ملک و مملوک است و سلطان در رأس این هرم قرار دارد. سعدی مدّاح و ستایشگر پادشاهان نیست؛ او داستانهای پادشاهان را به عنوان حدیث عبرت‌آموز تاریخ به ملت‌ها تذکر می‌دهد.

۹-۲-۱- تاثیر ظلم پادشاهان

از تو به که نالیم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست
(گلستان: باب هشتم)

خداوند در آیه ۱۳ سوره یونس میفرماید: «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» و (ما قومی پیش از شما را به سبب کیفر ظلمشان به دست نابودی سپردیم).

«هرکه بر زیردستان نبخشاید، به جور زیردستان گرفتار آید.

نه هر بازو که در وی قوتی هست به مردی عاجزان را بشکند دست
ضعیفان را مکن بر دل گزندی که درمانی به جور زورمندی»
(گلستان: باب هشتم)

«سعدی بر آن است که نابسامانیها و پریشانیها و جور و ستمها را به صلاح آورد و عدل و داد را برقرار ببیند؛ خود را به راه آورده مصلح شاهان میداند و برای رسیدن و رسانیدن امیران به مدینه فاضله عدل و انصاف و مردی و جوانمردی و کرم میکوشد.» (سعدی و متنبی، انوار: ۷۳)

۹-۲-۲- تأثیر بخشش پادشاهان

خداوند در قرآن کریم میفرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران، ۱۸۰) (و تصور نکنید کسانی که از روی بخل ورزی حقوق فقیران را از مالی که خدا به فضل خویش به آنها داده ادا نمیکنند، این بخل به نفع آنها نخواهد بود بلکه ضرر است و همان مال زنجیر گردنشان خواهد شد).

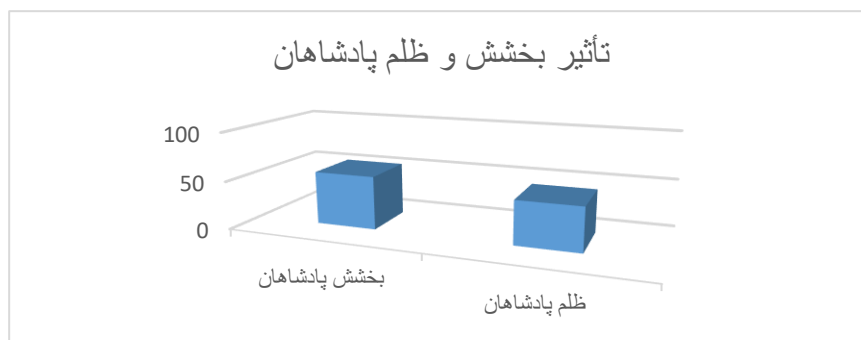
چنانچه پیامبر (ص) فرمود: «یا علی، کُنْ سَخِيًّا» ای علی، سخاوتمند باش.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت
(گلستان: باب اول)

«جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابدی که نخورد و بنهد.» (همان: باب هشتم)

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت به دست نیاید چو سرو باش آزاد
(همان)

درخت کرم هرکجا بیخ کرد گذشت از فلک شاخ و بالای او
(همان)



۱۰- نتیجه‌گیری

حال که به مقایسه مضامین حکمی این دو اثر پرداخته شد به لحاظ اینکه تأکید اصلی سخن در این گفتار بر کلام سعدی بوده است، در ادامه چند برداشت سبک‌شناسانه این پژوهش از محتوای اثر این خداوندگار ملک سخن بیان میشود:

(۱) در این مقال، بسامد حکمت عملی در اخلاق ناصری و گلستان سعدی که هردو از متون شاخص سده هفتم میباشند، بررسی و تأکید شد مصادیق این مضامین هر قدر تلویحیتر در متن به خواننده ارائه شود، تأثیرگذاری و جنبه کاربردی بیشتری خواهد داشت.

(۲) تأثیرپذیری سعدی در گلستان، گواه این است که اولاً او خود را از بزرگان حکمی دور نگه نمیداشته است و تأثیرپذیری واژگانی و مضمونی او از خواجه نصیر-حکیم معاصرش- نشانه‌ای از این مدعاست. به نظر میرسد سعدی اثر حکمی خواجه نصیر را خوانده و مضامین سه‌گانه حکمی او را به زبانی ساده در قالب حکایات دلنشین آورده و در گلستان گنجانده است.

(۳) هر چند در وهله نخست و به ظاهر، کلام حکمی سعدی در گلستان، همانند کلام خواجه در اخلاق ناصری نیست؛ اما با تأمل آشکار می‌گردد شاعری چون سعدی از کلام اوبه‌طور غیرمستقیم و پنهان تأثیر پذیرفته و بدین شیوه در نظر داشته، بالاترین و بیشترین مضامین حکمی را به کلام ادبی خود اختصاص دهد.

(۴) توفیق سعدی در ثبت آنچه که خواجه نصیر در اخلاق ناصری در باب حکمت عملی به آن دست زده نشان از روانی طبع و تابناکی اندیشه او دارد که توانسته است شاخه‌های سه‌گانه حکمت عملی و زیرشاخه‌های آن را به‌طور شایسته‌ای در دل حکایات گلستان بگنجانند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اخلاق ناصری، طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۱)، تصحیح مجتبی مینوی و غلامرضا حیدری، تهران: خوارزمی
- ۳- اصول کافی، کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۰)، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: انتشارات دارالثقلین
- ۴- الحیوان، جاحظ، ابوعثمان عمرو بحر (۱۳۸۸)، به تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۵- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر (بی تا)، به کوشش مرتضی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ۶- تأثیر سخن نظامی گنجوی در اشعار سعدی، برات زنجانی، (۱۳۷۲) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، نشر دانشگاه تهران، شماره ۱۲۵-۱۲۸، سال ۳۱، (۱۵۵-۱۷۸)
- ۷- تفسیر المیزان، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، ۱۳۴۶، نشر محمدی
- ۸- حکمت سعدی، هخامنشی، کیخسرو (۱۳۵۵)، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ دوم
- ۹- زبده الآثار، طبری، محمدعلی (۱۳۷۲)، تهران: نشر امیرکبیر
- ۱۰- سعدی و متنبی، انوار، سیدامیر محمود (۱۳۸۰)، تهران: نشر انوار دانش
- ۱۱- فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، محمدی، محمد (۱۳۷۴)، تهران: نشر توس، چاپ دوم
- ۱۲- کیمیای سعادت، غزالی، امام محمد (۱۳۹۲)، به کوشش پروین قائمی، تهران: انتشارات پیمان، چاپ ششم
- ۱۳- گلچینی از سخنان حکمت آمیز و اندرزهای رسول خدا و معصومین، محلاتی، سیدهاشم (بی تا)، تهران: نشر کار
- ۱۴- گلستان، شیخ مصلح الدین سعدی، ۱۳۴۸، خلیل خطیب رهبر، تهران: نشر صفی علیشاه
- ۱۵- لغت نامه دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۴)، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران
- ۱۶- مبانی ارزشها از دیدگاه فرزائگان، حسین ایزدی، ۱۳۷۷، تهران: نشر احسن الحدیث
- ۱۷- مبانی سیاست، عبدالحمید، ابوالمحمد (۱۳۷۶)، تهران: نشر توس
- ۱۸- معجم مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، به تحقیق ندیم مرعشلی، تهران: مکتب المرتضوی
- ۱۹- نهج البلاغه، امام علی، ترجمه سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۱)، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی